

Proving the Necessity of Belief in Mahdism Based on the Verse of the Ṣādiqīn in Light of the Principle of Jary and Taṭbīq

Samira Abbaspour ^{a*}, Hamzehali Bahrami^b, Maryamsadat Hashemi ^c

^a PhD student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Isfahan University, Isfahan, Iran

^b Assistant Professor, Department of Islamic Education of Ahl al –Bayt Faculty, University of Isfahan, Isfahan, Iran

^c PhD in Islamic Theology, Lecturer in the Department of Education, Farhangian University, Isfahan, Iran

KEYWORDS

Mahdism, Ṣādiqīn, Jari and Marlam, Believers, Infallibility

Received: 15 May 2025;
Accepted: 29 September 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2060734.1104

ABSTRACT

Belief in Mahdism is undoubtedly one of the foundational doctrines for realizing the elevated life of humanity. The verse of the Ṣādiqīn is among the Qur'anic verses frequently cited in support of Mahdism, based on hadith evidence. This study, using a descriptive-analytical method, applies the principle of Jary (continuity) and Taṭbīq (contextual adaptation) to the verse of the Ṣādiqīn to demonstrate the necessity of belief in Mahdism. The application of this principle reveals that the command to accompany the Ṣādiqīn is a general ruling, with no indication that it is limited to the believers addressed at the time of revelation. Believers across all eras share the essential quality of faith, and such adaptation aligns with the Qur'an, Sunnah, reason, and common understanding. Given that most Shi'a commentators—and even some Sunni scholars—attribute infallibility (‘iṣmah) to the Ṣādiqīn mentioned in the verse, it can be concluded that in every era, the Ṣādiqīn refers to the infallible Imam of that time. Believers are thus urged to follow him unconditionally. Considering that the status of infallibility in the present age applies to the Imam al-Mahdī (‘Ajjal Allāh Ta‘ālā Farajahu al-Sharīf), it becomes clear that the Ṣādiqīn in our time is the awaited Imam. Therefore, belief in Mahdism is a necessary implication of the verse.

* Corresponding author.

E-mail address: samiraabbaspour66@gmail.com

©Author





اثبات لزوم اعتقاد به مهدویت بر اساس آیه صادقین در پرتو قاعده جری و تطبیق

سمیرا عباس پور^{الف}، حمزه علی بهرامی^ب، مریم السادات هاشمی^ج^{الف} دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل البیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

samiraabbaspour66@gmail.com

^ب دانشیار، گروه معارف اسلامی دانشکده اهل البیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، bahrame1918@gmail.com^ج دکتری تخصصی کلام اسلامی، مدرس گروه معارف دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران، hashmysadat@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
مهدویت، صادقین، جری و تطبیق، مؤمنان، عصمت	بی‌تردید اعتقاد به مهدویت یکی از بنیادی‌ترین باورها در راستای تحقق حیات متعالی انسان است و آیه صادقین یکی از آیاتی است که به استناد احادیث در بحث مهدویت مورد استدلال قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده با اجرای قاعده «جری و تطبیق» در آیه صادقین لزوم اعتقاد به مهدویت اثبات می‌گردد. آنچه از اجرای قاعده جری و تطبیق در آیه صادقین حاصل می‌شود آن است که حکم همراهی با صادقین حکمی عمومی است و قرینه‌ای دال بر انحصار و اختصاص حکم به مؤمنان مخاطب در عصر نزول ندارد؛ مؤمنان همه اعصار، در دارا بودن شاخصه ایمان، ماهیت یکسان دارند و چنین تطبیقی با کتاب و سنت و عقل و عرف مخالفتی ندارد. از آنجاکه اکثر مفسران شیعی و حتی برخی مفسران اهل سنت برای صادقین در آیه مذکور مقام عصمت قائل هستند، می‌توان نتیجه گرفت که در هر عصر مصداق صادقین امام معصوم همان عصر است که مؤمنان متقی به همراهی مطلق با ایشان توصیه شده‌اند و با عنایت به اینکه مقام عصمت در عصر حاضر بر وجود امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) تطبیق می‌کند، مشخص می‌شود مصداق صادقین در عصر حاضر امام زمان (عج) است.

۱. مقدمه

اعتقاد به مهدویت در شیعه به معنای باور به ظهور امام دوازدهم، به‌عنوان منجی آخرالزمان، نه‌تنها یک اصل مهم و ضروری در مذهب شیعه است، بلکه به‌عنوان یک عامل امیدبخش، محرک و هدایت‌گر در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان تلقی می‌شود و مصداق حقیقی و منحصر آن نیز بی‌شک شناخته شده است. این مفهوم و مصداق از ابتدای ظهور اسلام برای امت اسلامی بیان شده و موعود بودن چنین شخصیتی به همراه فرهنگ مهدویت در ادیان الهی گذشته بوده است. اعتقاد به مهدی موعود به‌عنوان امام معصوم، فرع بر اعتقاد به اصل امامت ائمه در اسلام راستین است و از ضرورت اعتقاد به اصل امامت نشأت می‌گیرد. عصمت ائمه علیهم‌السلام از موضوعاتی است که بسیار بدان پرداخته شده است. یکی از آیاتی که در بحث اعتقاد به عصمت ائمه معصومین همواره مورد استناد قرار می‌گیرد آیه ۱۱۹ سوره توبه است. خداوند در این آیه مؤمنان را به تقوا و همراهی مطلق با صادقین فرامی‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». آنچه در خور توجه است آن است که این آیه علاوه بر بحث اثبات عصمت امام معصوم می‌تواند به‌عنوان یکی از بهترین آیات در زمینه اثبات مهدویت نیز مورد توجه قرار گیرد؛ لذا این پژوهش بر آن

است که با بکار گیری قاعده تفسیری جری و تطبیق در آیه مذکور لزوم اعتقاد به مهدویت را بر اساس آن اثبات نماید. قاعده جری و تطبیق از کاربردی‌ترین قواعد تفسیری است که منجر به فهم معنا و مقصود آیات می‌شود. مراد از «جری و تطبیق» تطبیق الفاظ و آیات کلی یا جزئی قرآن بر همه موارد و مصادیقی است که بر آن الفاظ و آیات انطباق پذیراند (یزدان پناه، ۱۳۹۱، ۷) و این موارد و مصادیق غیر از موارد و مصادیقی است که آیات درباره آن‌ها نازل شده است (شاگرد، ۱۳۷۶، ۱۴۷).

در خصوص بحث پیشینه‌شناسی طبق بررسی‌های صورت گرفته می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره نمود: «بازکاوی مصداق صادقین در آیه «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»» (سیاوشی، ایزدی، ۱۳۹۸، ۴۷) که با استناد به مستندات نقلی و استدلال عقلی مصداق صادقین را امام علی علیه‌السلام و اهل بیت معصوم پیامبر صلی‌الله معرفی نموده؛ «تفسیر تطبیقی آیه «مع الصادقین» از دیدگاه فریقین» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴، ۴۵) که آیه «مع الصادقین» را در چند بعد تفسیر و تبیین اجمالی از دیدگاه روایات و مفسران فریقین بررسی نموده و به نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه پرداخته است؛ و «استدلال به آیه صادقین در اثبات وجود مستمر حجت الله و نقد شبهات» (سلطانی‌پور، ۱۳۹۷، ۱۰۲) که وجود مستمر حجه الله به شیوه توصیفی تحلیلی اثبات شده و ادله موافقان و مخالفان در آن جمع بندی گردیده است.

همچنین در ارتباط با قاعده تفسیری جری و تطبیق نیز از آثار ذیل می‌توان نام برد: «قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت» (المصری، ماهروزاده، ۱۴۰۰، ۴۳) که نویسندگان در آن با استفاده از منابع تفسیری و روایی مبانی قاعده جری را تبیین نموده‌اند و با جمع‌آوری آیاتی که بر اساس روایات تفسیری حضرت مهدی را مصداق صادقین معرفی کرده ادله تطبیق آیات بر امام مهدی را بیان نموده‌اند؛ «روش‌های به‌کارگیری جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن» (رضایی کرمانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۴) که به بررسی مفهوم و مصداق منطقی و روش تنقیح مناط پرداخته؛ و «واکاوی گستره دلالت آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» در پرتوی قاعده جری و تطبیق» (سلمان زاده، ۱۴۰۰، ۱۹۵) که تعمیم آیه مذکور بر همه زنان از دیدگاه مفسران قرآن پژوهان و فقها را اثبات نموده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار گذشته آن است که اگرچه مفهوم شناسی آیه صادقین و قاعده جری و تطبیق مورد واکاوی قرار گرفته است؛ اما اثبات لزوم اعتقاد به مهدویت در پرتوی قاعده جری و تطبیق بر اساس آیه صادقین تا به حال مورد پژوهش قرار نگرفته است و در راستای موضوع تحقیق پژوهش مستقلی یافت نشد؛ لذا پژوهش حاضر از این منظر بدیع و نو است.

برای حصول به مقصود، نگارندگان ابتدا به مفهوم شناسی واژه صادقین و جری و تطبیق پرداخته سپس نظرات مفسران شیعه و اهل سنت را در این خصوص مورد بررسی قرار داده و در ادامه به‌طور خاص تطبیق قاعده مذکور را در آیه صادقین واکاوی نموده و لزوم اعتقاد به مهدویت را بر اساس آن تبیین می‌نمایند.

۲. مفهوم شناسی

الف. مفهوم صادقین

صدق نقیض کذب است و «رجل صدق» یعنی «نعم الرجل هو». همچنین برای نعت آن گفته می‌شود «هو الرجل الصدق»، و هی الصدقة، و قوم صدقون، و نساء صدقات؛ و صدق کامل از هر چیزی است. صدیق کسی است که امر خدا و رسول را تصدیق نماید و در هیچ مورد از آنها دچار شک نشود (فراهیدی، ۵، ۱۴۱۰/۱۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۹۶/۱۰). ابن فارس صدق را اصلی می‌داند که بر قوت در قول و غیر آن دلالت دارد و چون جنگجویان مقابل دشمن با قوت می‌جنگند می‌گویند «صدقوهم القتال» (ابن فارس، ۱۴۱۴، ۳۳۹/۳). قاموس صدق را راست مقابل دروغ، در برخی آیات راستی در عمل و در برخی خبر راست می‌داند (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۱۷/۴). مجمع البحرین معنای صدق را مطابقت خبر با آنچه نفس امر است عنوان می‌کند (طریحی، ۵، ۱۳۷۵/۱۹۹). راغب دربیانی مفصل در این ماده، اصل صدق را در قول (گذشته، حال و آینده) می‌داند که در آنچه از اعتقاد حاصل می‌شود مانند صدق ظنی نیز بکار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۴۷۹). التحقیق اصل واحد در این ماده را برحق بودن و تمامیت بیان می‌کند که به اختلاف مورد، متفاوت است، صدق در اعتقاد، صدق در اظهار اعتقاد، صدق در قول و خبر، صدق در قول انشائی، صدق در احساس، صدق در عمل و نهایتاً صدق در مطلق امور بدان معنا که فرد در قول و اعتقاد و عمل صادق باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲۱۴/۶). هرچند صادق بودن در اصل وصف گفتار و خبر مطابق با واقع است، اما اگر بدون قید بکار رود قابل اطلاق بر کسی است که صفت صدق همه ابعاد وجودی او از جمله اعتقاد، اقوال، افعال و اراده‌اش را در بر گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴۰۲/۹، زمخشری ۱۴۰۷، ۳۲۰/۲، ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ۴۳۹/۲). بنابراین آنچه گذشت به نظر می‌رسد صادق به معنای کسی است که راستی تام و با قوت در همه ابعاد شخصیتی او اعم از اعتقاد و عمل و قول هویداست.

ب. مفهوم قاعده جری و تطبیق

جری به معنای انسیاح چیزی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۷۶/۲) و حرکت سریع است (راغب، ۱۴۱۲، ۱۹۴) و برای بیان حرکت خورشید، جریان آب، وزیدن باد و دویدن اسب کاربرد دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۷۴). تطبیق از ماده طبق به معنای مطابقت دو چیز و برابری آنهاست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۶۲/۷).

قاعده جری و تطبیق از کاربردی‌ترین قواعد تفسیری است که منجر به فهم معنا و مقصود آیات می‌شود. مراد از «جری و تطبیق» تطبیق الفاظ و آیات کلی یا جزئی قرآن بر همه موارد و مصادیقی است که بر آن الفاظ و آیات انطباق پذیراند (یزدان پناه، ۱۳۹۱، ۷) و این موارد و مصادیق غیر از موارد و مصادیقی است که آیات درباره آنها نازل شده است (شاکر، ۱۳۷۶، ۱۴۷). قرآن کریم از حیث انطباق معارف و آیاتش بر مصادیق و بیان حال مصادیقش دامنه‌ای وسیع دارد، پس هیچ آیه‌ای از قرآن اختصاص به مورد نزولش ندارد و با هر موردی که با مورد نزولش متحد باشد و همان ملاک را داشته باشد جریان می‌یابد، عیناً مانند مثل‌هایی است که اختصاص به اولین موردش ندارد، بلکه از آن تجاوز کرده شامل همه موارد مناسب با آن مورد نیز می‌شود و این معنا همان اصطلاح «جری» است؛ بنابراین جری انطباق آیه بر اساس توسعه معنایی بر مصداق‌های خارجی موجود است که از نظر ملاک با مورد نزول آیه مشابه‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۷/۳). روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله دراین‌باره حاکی از آن است که اگر قرار بود آیه‌ای صرفاً درباره

فردی خاص نازل شود با مرگ او آیه قرآن نیز از بین می‌رفت؛ اما قرآن همان‌طور که درباره گذشتگان باقی است در مورد آیندگان نیز جاری است: «لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتْ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَ لَكِنَّهُ حَى يَجْرِي فِيمَنْ بَقِيَ كَمَا جَرَى فِيمَنْ مَضَى» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۱۹۱). در فرهنگ روایی برای تبیین قاعده مذکور از تطبیق استفاده نشده، ولی در کنار هم قرار گرفتن دو لفظ جری و تطبیق این نکته را بیان می‌کند که جری بیانگر جاودانگی قرآن و توسعه مفاد آیات و تطبیق منطق ساختن معنای توسعه یافته مفاد آیه بر مصادیق دیگر اعم از افراد و وقایع در طول عصرهاست (رضایی کرمانی، ۱۳۹۵، ۵).

بنابراین قاعده جری و تطبیق معارف قرآن را خارج از حصار زمان و مکان به انسانها عرضه می‌کند و توسعه معنایی ایجاد می‌کند، زیرا قرآن کتابی جهان‌شمول است و به افراد خاصی در یک مقطع تاریخی تعلق ندارد. البته واضح است که به‌کارگیری این قاعده جهت فهم مقصود کل آیات قرآن صحیح نیست و آیه مذکور بایستی شرایط لازم برای اجرای این قاعده را داشته باشد.

نکته قابل‌توجه دیگر آن است که برای بررسی جری در آیات قرآن لازم است آیه موردنظر جدای از سیاق موردعنایت قرار گیرد. به‌عنوان مثال علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۳ سوره مبارکه نحل مراد از «اهل الذکر» را با تقطیع از سیاق، اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند؛ زیرا با توجه به سیاق مراد از این عبارت اهل کتاب است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲/۲۸۵)؛ بنابراین بسیاری از روایات که درباره آیات قرآن نقل شده‌اند با عنایت به اینکه آیه موردنظر، منحصراً در سبب نزول خود جاری نیست، از باب جری می‌تواند در مقام بیان مصداق برای آیه موردنظر باشد و سبب فهم بیشتر و توسعه معنای آیه گردد.

۲. مصداق صادقین در دیدگاه مفسران فریقین

می‌توان گفت در مفهوم لغوی صادقین و دیگر عبارات در آیه ۱۱۹ سوره توبه بین مفسران اختلاف قابل‌توجهی وجود ندارد. البته برخی «مع» در آیه صادقین را به معنی «من» گرفته‌اند و قصدشان در نظر گرفتن معنایی عام برای صادقین در این تأویل است؛ درحالی‌که مع با من متفاوت است و «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» یعنی با صادقین هماهنگ شوید تا در معیت آنها باشید (شعراوی، ۱۹۹۱، ۵۵۵۹/۹). طبری نیز قرائت «من الصادقین» در این آیه را برخلاف رسم‌الخط مصاحف و تأویلی نادرست می‌داند (طبری، ۱۴۱۲، ۴۶/۱۱). آنچه در آیه مذکور مورد اختلاف است تعیین مصداق صادقین است. خداوند در این آیه مؤمنان را به صادقین (به‌صورت جمع) ارجاع داده که نشان از برتری این گروه است؛ لذا تعیین مصداق صادقین در فهم مقصود آیه بسیار مهم است که در دیدگاه مفسران فریقین به‌صورت جداگانه بدان پرداخته می‌شود.

۲.۱. دیدگاه مفسران اهل سنت و نقد آن

اهم دیدگاه مفسران اهل سنت در باب مصداق صادقین در آیه ۱۱۹ سوره توبه به‌اختصار بدین شرح است،
 ۱. پیامبر صلی‌الله علیه و آله و اصحاب ایشان (واحدی، ۱۴۱۵، ۴۸۵/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۸۹/۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ۲۳۴/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۳۲۱/۲)

نقد دیدگاه اول: در مورد اینکه پیامبر صلی‌الله علیه و آله مصداق بارز صادقین در این آیه هستند شکی وجود ندارد

و آیات دیگر نیز مؤید نقش الگویی ایشان هستند (احزاب ۲۱/): اما به طور کلی در مورد اصحاب ایشان وضعیت به گونه ای دیگر است. آیات قرآن در وصف برخی صحابه نشان از نافرمانی برخی از آنان در زمان حیات رسول خدا دارد تا بدانجا که در جنگ از فرمان پیامبر سرپیچی نمودند، «إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ الرُّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَىٰكُمْ...» (آل عمران: ۱۵۲)؛ یا برای تجارت و لهو پیامبر را رها کردند، «وَ إِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قِائِمًا» (جمعه: ۱۱). به علاوه خداوند در آیه ۵۴ سوره مائده خطر ارتداد از دین را به برخی از آنان گوشزد می کند، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» و در آیات فراوانی از منافقین سخن به میان می آید که از میان همین صحابه سر برآورده اند و حتی سوره ای در قرآن به همین نام به بیان ویژگی های این افراد می پردازد. در روایات اهل سنت نیز موارد بسیاری از هشدار پیامبر به صحابه موجود است که نشان از ارتداد و رجعت برخی از آنان از دین دارد (بخاری، ۱۴۱۹، ح ۷۰۹۲؛ ۷۰۹۴؛ ۳۳۴۹؛ ۷۰۸۰، ۷۰۷۶؛ ۷۱۱۴).

۲. صحابه و خلیفه اول و دوم (طبری، ۱۱/۱۴۱۲؛ ۴۶؛ دینوری، ۱۴۲۴، ۳۳۱/۱)

نقد دیدگاه دوم: در نقد دیدگاه اول به دلایل موجود جهت رد صحابه به عنوان مصداق صادقین اشاره شد. در مورد خلیفه اول و دوم نیز به ذکر یک نمونه رفتاری که نقیض ادعای فوق است بسنده می شود. به نقل از بخاری عده ای از طایفه بنی تمیم نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند. خلیفه اول و دوم در مورد اینکه امیر چه کسی باشد دچار اختلاف نظر شدند و صدایشان نزد پیامبر بلند شد و آیه دوم سوره حجرات نازل شد، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...» (ابن اثیر، ۱۴۱۹، ق ۳۴۱/۷). با توجه به نقل فوق واضح است کسانی که در مراعات اصول اخلاقی عاجزند نمی توانند به عنوان الگو برای مؤمنان معرفی شوند.

۳. ابوبکر و عمر و اصحاب آنان (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۸۹/۳)

نقد دیدگاه سوم در حقیقت همان نقدی است که بر دیدگاه دوم و سوم وارد است.

۴. مهاجران با استناد به آیه ۸ سوره حشر (قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۸۸/۸، ابن عجبیه، ۲/۱۴۱۹، ۴۳۸) که بعضی خلفای اول و دوم (ابن عربی، ۱۴۰۸، ۱۰۲۸/۲) و برخی خلفا را در رأس مهاجران قرار داده اند (قشیری، ۲۰۰۰، ۷۱/۲) نقد دیدگاه چهارم: آیه ۸ سوره حشر در مقام بیان مصداق و موارد فیء در راه خداست، نه اینکه فقرای مهاجرین یکی از سهامداران فیء باشند. خداوند امر فیء را به رسول خود ارجاع داده و ایشان به هر نحو که بخواهد می تواند مصرف کند و صرف در بین مهاجران مورد رضای خدا و از مصادیق سبیل الله بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق ۲۰۴/۱۹)؛ بنابراین به نظر می رسد خداوند در این آیه به دنبال طرح امتیاز خاصی برای مهاجرین نیست و با توجه به این نکته که جمله «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» راستگویی مهاجرینی که به دنبال فضل الهی اند و خدا و رسولش را با آن اموال و جانهایشان یاری می کنند تصدیق می کند، می توان گفت صادقین در آیه ۱۱۹ سوره توبه انحصاری در مصداق مهاجرین ندارد و موضوع این دو آیه متفاوت است.

۵. مهاجرین و انصار (ماتریدی، ۱۴۲۶، ۵/۵۰۶؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ۳/۱۷۳۳؛ هواری، ۱۴۲۶، ۲/۱۷۴)

نقد دیدگاه پنجم: با توجه به اینکه مهاجرین و انصار در زمره اصحاب پیامبر هستند کلیه نقدهایی که در دیدگاه ۱ و ۲ بیان شد در این مورد نیز وارد است.

۶. سه نفر متخلف از غزوه تبوک که بعداً توبه کردند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۳/۱۰۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۱۰/۲۲۳؛

آلوسی، ۱۴۱۵، ۶/۴۳)

نقد دیدگاه ششم: پذیرش مقام عصمت برای صادقین در آیه مذکور جهت قبول نقش الگویی صادقین برای مؤمنان ضروری است. با توجه به اینکه عصمت ملکه نفسانی است که باعث اجتناب معصوم از گناه و خطا می‌شود به نظر می‌رسد افراد مورد ادعا که مرتکب خطا شدند حتی در صورت توبه، امتیاز خاصی به دست نمی‌آورند که بتوان برای آنان نقش الگویی قائل شد و آنان را مصداق صادقین در نظر گرفت. همچنین با توجه به آیه افراد یادشده از صحابه بودند کلیه نقدهای یادشده در مورد دیدگاه اول در این مورد نیز صادق است.

۷. اجماع امت (رازی، ۱۴۲۰، ۱۶۷/۱۶)

نقد دیدگاه هفتم: فخر رازی در این آیه عصمت صادقین را پذیرفته است؛ اما در تعیین مصداق به خطا رفته است. وی معتقد است در همه زمانها لازم است افراد معصومی وجود داشته باشند تا مؤمنان از آنان پیروی کنند. این امر زمانی ممکن است که افراد معصومی وجود داشته باشند؛ چون ما فرد معینی به عنوان معصوم نمی‌شناسیم پس جز «اجماع امت» فرضی برای پذیرش باقی نمی‌ماند (رازی، ۱۴۲۰، ۱۶۷/۱۶). اگر سخن فخر رازی پذیرفته شود نتیجه چنین می‌شود که خداوند به امت اسلام دستور داده تا اهل تقوا باشند و با امت اسلام که صادقین هستند همراه شوند که این تحصیل حاصل است (سیاوشی، ایزدی، ۱۳۹۸، ۵۳). سؤالی که پیش می‌آید آن است که وقتی یک فرد معصوم در امت قابل شناسایی نیست چطور اجماع امت می‌تواند معصومانه و قابل اطاعت باشد؟ و آیا این اجماع در امور مهم اصلاً قابل حصول بوده است؟ در صورت پاسخ مثبت پس چرا این همه تشتت و تفرقه در امت اسلامی وجود دارد و اجماع امت کارگشا نیست؟ به نظر می‌رسد برخلاف ادعای فخر رازی این افراد معصوم با تکیه بر منابع روایی چون حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال اینها قابل شناسایی هستند.

بعلاوه این نکته نیز حائز اهمیت است که نظریه اجماع امت با چالش‌های جدی روبروست و صرف ارجاع به اجماع نمی‌تواند ضامن کشف حقیقت باشد.

۸. مصداق آن عام است (آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۳/۶؛ مظهری، ۱۴۱۲، ۳۲۰/۴؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ۷۳/۱۱)؛ ال صادقین ال استغراق است و شامل همه صادقان از مؤمنان است (ابوزهر، بی تا، ۳۴۷۷/۷)؛ صادقین عام است و در صدر مصادیق این خطاب صحابه سابقین هستند (دروژه، ۱۴۲۱، ۵۵۵/۹)؛ صادقین همان مخلصین هستند (حجازی، ۱۴۱۳، ۲۷/۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ۴۲۴/۶).

نقد دیدگاه هشتم: اختلاف در تعیین مصداق صادقین در این آیه نشانگر خاص بودن مصداق است و مفهوم شناسی صادقین نشان می‌دهد آنها کسانی هستند که راستی کامل و با قوت در همه ابعاد وجودی دارند و صدق مورد ادعا فقط در ائمه معصومین علیهم السلام جلوه گر است. همچنین در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش عام یا خاص بودن آیه، مصداق صادقین علی علیه السلام و اوصیای او تا روز قیامت معرفی شده‌اند (ابن بابویه، ۱/۲۷۸، ۱۳۹۵) و در بررسی دلیل برابر قرار دادن صادقین با مخلصین مورد محکمی یافت نشد.

۹. امام علی علیه السلام و عترت (حسکانی، ۱۴۱۱، ۳۴۴/۱)، سیوطی هم با ذکر دو روایت می‌گوید مقصود علی علیه السلام است (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۹۰/۳)؛ این دیدگاه مورد پذیرش شیعه است.

۲.۲. دیدگاه مفسران شیعه

قبل از پرداختن به دیدگاه مفسران توجه به این نکته ضروری است که در درون مکتب شیعه نگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ به عنوان نمونه زیدیه به معنای خاصی از عصمت معتقدند که با دیدگاه امامیه متفاوت است یا اخباریون گرایش دارند در تعیین مصداق بیشتر به نقل روایی تکیه کنند و عقل را در استدلال محدود سازند. این اختلافات نشان می‌دهد نمی‌توان نظر همه مفسران شیعه را در یک چارچوب واحد خلاصه نمود؛ اما از دیدگاه اکثر مفسران شیعه ارجاع مؤمنان متقی به صادقین نشانگر آن است که صادقین غیر از مؤمنان و دارای صفت عصمت هستند و چون بعد از پیامبر صلی‌الله علیه وآله کسی به جز امامان معصوم علیهم‌السلام از مقام عصمت برخوردار نیست تنها مصداق صادقین ایشان هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۴۰۲؛ مکارم، ۱۳۷۱، ۸/۱۷۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۴/۱۱۵؛ شبر، ۱۴۱۰، ۲۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۲/۳۸۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵/۱۲۲؛ رازی، ۱۰/۷۵/۱۴۰۸) و روایت وارده در این موضوع مؤید این دیدگاه هستند (طبری آملی، ۱۳۸۳، ۲/۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۵/۱۰۸؛ شامی، ۱۴۲۰، ۲۳۹؛ کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۲۰۸).

مراد از «صادقین» کامل‌ترین مرتبه صدق، یعنی کسانی هستند که از مقام عصمت برخوردارند. در شرح این ادعا به دو تقریر اشاره می‌شود:

- مقصود از «صادقین» کسانی‌اند که صادق بودن آن‌ها معلوم است و این ویژگی جز در مورد معصوم تحقق نمی‌یابد، زیرا نمی‌توان از صادق بودن غیر معصوم آگاه شد و به اجماع مسلمانان از اصحاب پیامبر (صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلم) غیر از علی (علیه‌السلام) کسی معصوم نیست (حلی، ۱/۱۴۱۹:۵۰۳).

- جمله «یا ایُّها الذِّینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» مؤمنان را به رعایت تقوای الهی دستور داده و از آنان خواسته که با «صادقین» باشند. از اینجا معلوم می‌شود که مؤمنان معصوم نیستند و جهت صیانت از خطا باید از کسانی پیروی کنند که از خطا مصون باشند و آنان «صادقین» هستند و چون این مطلب (مؤمنان خطاپذیر) در همه زمان‌ها تحقق دارد، پس در همه زمان‌ها نیز باید معصوم وجود داشته باشد تا مؤمنان از او پیروی کنند. پیروی از معصوم در صورتی ممکن است که انسان به او عالم باشد، در غیر این صورت دستور به پیروی از او تکلیف به مالایطاق خواهد بود (رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۱/۱۶).

۳. بررسی جری و تطبیق آیه صادقین

جهت تعیین امکان اجرای قاعده جری و تطبیق بر هر آیه بایستی شروط سه‌گانه عدم انحصار حکم و موضوع در مورد مشخص شده، مناسبت موارد بعدی با مورد نزول و عدم مخالفت با کتاب سنت عقل و عرف در آیه موردبررسی قرار گیرد و در صورتی که همه شروط مذکور در آیه برقرار باشد می‌توان از این قاعده استفاده نمود (سلمان زاده، ۱۴۰۰، ۲۰۵)؛ لذا در ادامه به بررسی شروط سه‌گانه یادشده در آیه صادقین پرداخته می‌شود.

۱.۳. عدم انحصار حکم و موضوع در مورد مشخص شده

اولین ضابطه مهم در جری و تطبیق منحصر نبودن حکم و موضوع در مورد مشخص شده است تا بتوان آن را به مصادیق و موارد دیگر تسری داد. به عنوان مثال اگر موضوع آیه غض بصر است نباید این موضوع به مورد مشخص شده در آیه یا روایت سبب نزول محدود و منحصر باشد؛ به طوری که نتوان به موارد دیگر توسعه داد و همچنین اگر حکم آیه لزوم غض بصر است نباید این حکم در مخاطب ظاهری آیه منحصر باشد که در این صورت امکان تسری موضوع به

موارد دیگر از بین می‌رود و حکم مختص به همان مورد مشخص مختص می‌ماند؛ بنابراین قاعده جری و تطبیق در موضوعات غیراختصاصی و عمومی قابل اجراست.

قبل از بررسی موضوع در آیه صادقین پرداختن به شأن نزول آیه ضروری به نظر می‌رسد زیرا در مورد آیه ۱۱۹ سوره توبه‌شان نزول مستقلاً ذکر نشده؛ اما با توجه به قول کعب بن مالک در نزول آیه صادقین در مورد آنها به نظر می‌رسد شاید بتوان آیه صادقین را هم سیاق با آیه قبلش در نظر گرفت. در شأن نزول آیه ۱۱۸ سوره توبه آمده که سه نفر از مسلمانان به نام «کعب بن مالک» و «مرارة بن ربیع» و «هلال بن امیه» از شرکت در جنگ تبوک، به خاطر سستی و تنبلی سرباز زدند و چیزی نگذشت که پشیمان شدند. هنگام بازگشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و عذرخواهی کردند، اما ایشان با آنها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آنها سخن نگوید. آنها در يك محاصره عجیب اجتماعی قرار گرفتند تا آنجا که حتی کودکان و زنان آنان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و اجازه خواستند که از آنها جدا شوند؛ ایشان اجازه جدایی ندادند، ولی دستور دادند که به آنها نزدیک نشوند. فضای مدینه با تمام وسعتش چنان بر آنها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این رسوایی بزرگ، شهر را ترك گویند و به کوه‌های اطراف مدینه پناه ببرند و حتی با یکدیگر قطع رابطه نمودند. سرانجام پس از پنجاه روز توبه و تضرع به پیشگاه خداوند، توبه آنان قبول شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵/ ۱۲۰؛ رازی، ۱۴۰۸، ۱۰/ ۶۷؛ مکارم، ۱۳۷۴، ۱۰/ ۶۹).

به نظر می‌رسد در آیه ۱۱۹ سوره توبه حکم، لزوم همراهی مطلق با صادقین و موضوع حکم، مؤمنان هستند. اولاً حکم همراهی با صادقین حکمی عمومی است که صرف‌نظر از شأن نزول احتمالی ذکرشده برای آیه و سیاق آن، اختصاص به زمان یا افراد خاصی از مخاطبین ندارد. به علاوه توجه به سیاق آیات قبل و بعد یعنی آیات ۱۱۸ و ۱۲۰ سوره توبه نشان می‌دهد دعوت به همراهی با صادقین در بستر یک ماجرای تاریخی خاص آمده است؛ اما لحن آیه فراتر از آن حادثه بوده و قابلیت تعمیم به همه اعصار را دارد.

ثانیاً موضوع حکم در آیه مذکور اختصاص به مؤمنان مخاطب در عصر نزول ندارد و قرینه‌ای در آیه مبنی بر انحصار و اختصاص حکم به مؤمنان مذکور وجود ندارد. از نظر علامه طباطبایی اختصاص نیافتن مفاد ظاهری آیه صادقین به مؤمنان عصر پیامبر و انطباق آن با همه طوایف مؤمنان در مورد تنزیل یکی از انواع جری محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳/ ۷۳)؛ بنابراین مفاد ظاهری آیه صادقین به مؤمنان عصر پیامبر اختصاص ندارد و این آیه بر تمام مؤمنان در تمامی اعصار در صورت انطباق اوصاف، قابلیت تطبیق دارد.

۲.۳. مناسبت موارد بعدی با مورد نزول

بعد از اثبات عدم انحصار موضوع و حکم و فراهم شدن زمینه تسری آنها به دیگر موارد بایستی موارد بعدی از حیث مناسبت با مورد نزول مورد بررسی قرار گیرد؛ به عبارت دیگر بایستی موارد بعدی از لحاظ ماهیت متناسب با مورد نزول باشند تا در زمره موضوع حکم درآیند و حکم در مورد آنها نیز جاری شود؛ بنابراین موارد تطبیق داده شده بایستی با مورد نزول مناسبت داشته باشند تا اصل تطبیق صحیح به نظر برسد.

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره ظاهر و باطن قرآن با اشاره به تسری حکم از مورد نزول به موارد بعدی با رعایت اصل مناسبت فرموده اند، «ظَهَرُ الَّذِينَ نَزَلَ فِيهِمُ الْقُرْآنُ، وَبَطْنُ الَّذِينَ عَمِلُوا بِمِثْلِ أَعْمَالِهِمْ، يَجْرِي فِيهِمْ مَا

نَزَلَ فِي أُولَئِكَ» (صدوق، ۱۳۳۸، ۲۵۹). پس می‌توان گفت عبارت «بِمَثَلِ أَعْمَالِهِمْ» شرطی مهم است که نشانگر تناسب جنس و ماهیت موارد بعدی به مورد نزول جهت اجرای قاعده جری است. علامه طباطبایی نیز با توجه به همین روایت تطبیق را در صورتی صحیح دانسته‌اند که مصادیق و موارد تطبیق داده‌شده با مورد نزول تناسب داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۷/۳؛ شاکر، ۱۳۷۶، ۱۶۴).

در آیه صادقین مورد و مصداق نزولی آیه، مؤمنان عصر پیامبر هستند و موارد بعدی مؤمنان در عصر پس از نزول هستند. با توجه به این نکته که مؤمنان مورد خطاب همه اعصار، در دارا بودن شاخصه ایمان، ماهیت یکسان دارند، می‌توان ادعا کرد ویژگی دوم یعنی مناسبت موارد بعدی با مورد نزول جهت اجرای قاعده جری وجود دارد و می‌توان حکم همراهی مطلق با صادقین را از مؤمنان عصر نزول به مؤمنان عصر حاضر تسری داد.

۳.۳. عدم مخالفت با کتاب سنت عقل و عرف

شرط سوم در اجرای قاعده جری و تطبیق آن است که تسری مورد نزول بر موارد بعدی با کتاب و سنت و عقل و عرف تضاد و ناسازگاری نداشته باشد (شاکر، ۱۳۷۶، ۱۵۷). واضح است اعمال این شرط سلبی مانعی برای برخی تطبیق‌های نادرست می‌گردد که برخلاف آموزه‌های کتاب و سنت، عقل سلیم و عرف مقبول است.

در مورد اعمال این شرط در آیه صادقین به قطعیت می‌توان گفت اجرای قاعده جری و تطبیق در این آیه و حکم لزوم همراهی مطلق با صادقین برای مؤمنان در همه اعصار مورد تأیید است و با هیچ‌کدام از موارد یادشده نه تنها مخالفتی ندارد بلکه کاملاً مورد تأیید روایاتی است که مصداق صادقین، آل محمد صلی‌الله‌علیه و آله معرفی شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۰۸/۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۲۸۰/۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۱۷۷؛ بحرانی، ۱۴۱۲، ۸۶۳/۲). در عین حال باید اذعان داشت که برخی اندیشمندان بر این باورند که اجرای بی‌حد و مرز قاعده جری و تطبیق می‌تواند موجب تفسیر به رأی شود؛ از این رو لازم است ضوابطی مانند رعایت سیاق، پرهیز از خلاف عقل و سنت قطعی و توجه به قرائن معتبر همیشه مدنظر قرار گیرد.

۳.۴. اثبات لزوم اعتقاد به مهدویت از قاعده جری و تطبیق در آیه صادقین

بنابر آنچه گذشت آیه صادقین دارای شرایط سه‌گانه عدم انحصار حکم و موضوع در مورد مشخص شده، مناسبت موارد بعدی با مورد نزول و عدم مخالفت با کتاب سنت عقل و عرف برای اجرای قاعده جری و تطبیق است و از آنجاکه جهان‌شمول و زمان‌شمول بودن آیات، وجود لایه‌های معنایی متعدد و اصل بودن عمومیت آیات قرآن محرز است، اجرای قاعده مذکور در این آیه راهگشاست. لذا در جهت اثبات لزوم اعتقاد به مهدویت در پرتوی آیه مذکور توجه به نکات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱. حکم و موضوع در آیه صادقین در مورد خاص محصور نیستند.

۲. با استفاده از این قاعده می‌توان دلالت آیه را از مخاطبین اولیه یعنی مؤمنان عصر نزول خارج نموده و آن را به مؤمنان همه اعصار تسری داد. پس آیه صادقین از قرائن انحصار آیه به مؤمنان عصر نزول خالی است و مؤمنان همه اعصار را در برمی‌گیرد.

۳. ارجاع مؤمنان متقی به صادقین نشانگر مقام والای صادقین در مرجعیت ایمانی است و اکثر مفسران شیعی و حتی برخی مفسران اهل سنت برای صادقین در آیه مذکور مقام عصمت قائل هستند.

۴. در دیدگاه شیعیان اثنا عشری، عصمت از شرایط و صفات امامت و عصمت امامان شیعه از باورهای اساسی است (طوسی، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۰۵؛ فیاض لاهیجی، سرمایه ایمان، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۱۴) و امامیه اتفاق نظر دارند که ائمه (علیهم السلام) از همه گناهان، کبیره و صغیره، چه از روی عمد و چه سهو، و هرگونه خطا و اشتباه معصوم هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵/۲۰۹).

۵. مؤمنان مورد خطاب آیه در همه اعصار، در دارا بودن شاخصه ایمان، ماهیت یکسان دارند. در نتیجه لازم است در هر عصر برای مؤمنان، معصومی حضور داشته باشد تا از او اتباع نمایند که شامل عصر حاضر نیز می شود و به اعتقاد شیعه، مقام عصمت در عصر حاضر جز بر وجود امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) بر فرد دیگری تطبیق نمی کند؛ بنابراین مصداق صادقین در عصر حاضر امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) است و لزوم اعتقاد به مهدویت با استفاده از قاعده جری و تطبیق از آیه صادقین بدین سان استخراج می گردد.

۴. نتیجه گیری

«صادق» کسی است که راستی کامل و با قوت در اعتقاد و عمل و قول حق دارد و در همه ساحت های وجودی او ویژگی مطابقت با واقعیت و حق پدیدار است و دیدگاه مفسران فریقین در باب مصداق صادقین، مختلف و اقوال متعدد است. مفسران اهل سنت مصادیقی چون صحابه به ویژه افراد خاصی چون خلفا، مهاجرین و انصار، اجماع امت و عترت علیهم السلام مطرح نموده اند که هر کدام در جایگاه خود قابل نقد است؛ اما در دیدگاه اکثر مفسران شیعه تنها مصداق صادقین امامان معصوم علیهم السلام اند که از مقام عصمت برخوردار هستند.

قاعده جری و تطبیق از کاربردی ترین قواعد تفسیری است که منجر به فهم معنا و مقصود آیات می شود و مراد از آن تطبیق الفاظ و آیات کلی یا جزئی قرآن بر همه موارد و مصادیقی است که بر آن الفاظ و آیات انطباق و این موارد و مصادیق غیر از موارد و مصادیقی است که آیات درباره آنها نازل شده است. برای اجرای این قاعده شروط سه گانه عدم انحصار حکم و موضوع در مورد مشخص شده، مناسبت موارد بعدی با مورد نزول و عدم مخالفت با کتاب سنت عقل و عرف در آیه بایستی برقرار باشد که آیه صادقین این شروط را جهت اجرای قاعده دارد.

آنچه از اجرای قاعده جری و تطبیق در آیه صادقین حاصل می شود آن است که حکم همراهی با صادقین حکمی عمومی است که اختصاص به زمان یا افراد خاصی از مخاطبین ندارد و موضوع حکم در آیه مذکور اختصاص به مؤمنان مخاطب در عصر نزول ندارد و گزینه ای در آیه مبنی بر انحصار و اختصاص حکم به مؤمنان مذکور وجود ندارد. همچنین مؤمنان مورد خطاب همه اعصار، در دارا بودن شاخصه ایمان، ماهیت یکسان دارند و چنین تطبیقی با کتاب و سنت و عقل و عرف مخالفتی ندارد؛ بنابراین ارجاع مؤمنان متقی در هر عصر به صادقین نشان از مقام ایمانی والای این افراد نسبت به مؤمنان است. با توجه به اینکه اکثر مفسران شیعی و حتی برخی مفسران اهل سنت برای صادقین در آیه مذکور مقام عصمت قائل هستند و در باور شیعیان اثنا عشری، عصمت امامان از باورهای اساسی است می توان نتیجه گرفت که در هر عصر مصداق صادقین امام معصوم همان عصر است که مؤمنان متقی به همراهی مطلق با ایشان توصیه شده اند. نهایتاً با عنایت به اینکه مقام عصمت در عصر حاضر بر وجود امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) تطبیق می کند، مشخص می شود مصداق صادقین در عصر حاضر امام عصر است. آنچه گذشت صرفاً بر اساس

پیش فرض عصمت صادقین نیست، بلکه اتکا به دلایل عقلی و نقلی روشن می‌سازد که وجود الگوی معصوم در هر عصر یک ضرورت کلامی است و به این ترتیب تعمیم مصداق صادقین به امام معصوم در هر عصر، استدلالی مستدل و قابل دفاع خواهد بود.

۵. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰.
۲. ابن عجبیه، احمد، البحر الممدید فی تفسیر قرآن المجید، قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹.
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۰۸.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴.
۵. ابن اثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
۸. ابوزهره، محمد، زهره التفاسیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۹. اسماعیل زاده، ایلغار، «تفسیر تطبیقی آیه «مع الصادقین» از دیدگاه فریقین»، طلوع، ۱۳۸۴، ش ۱۳، ۷۰-۴۵.
۱۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، ریاض، بیت الافکار الدولیه، ۱۴۱۹.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۱۴. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۱۵. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۳.
۱۶. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹.
۱۸. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱.
۱۹. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴.
۲۰. رازی، فخر الدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
۲۲. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر به تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۴.
۲۳. رضایی کرمانی و همکاران، «روش های به کارگیری جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۵، ش ۳، ۲۷-۴.

۲۴. زمخشری، جار الله محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۲۵. سلطانی پور، فاطمه، «استدلال به آیه صادقین در اثبات وجود مستمر حجت الله و نقد شبهات»، نامه جامعه، ۱۳۹۷، ش ۱۲۶، ۱۱۴-۱۰۱.
۲۶. سلمان زاده، جواد، «واکاوی گستره دلالت آیه «وقرن فی بیوتکن» در پرتوی قاعده جری و تطبیق»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۴۰۰، ش ۴۴، ۲۱۵-۱۹۵.
۲۷. سیاوشی، کرم و محمد علی ایزدی، «بازکاوی مصداق صادقین در آیه «كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ»»، *مطالعات تفسیری*، ۱۳۹۸، ش ۳۹، ۶۰-۴۷.
۲۸. سید قطب، *فی ضلال القرآن*، بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵.
۲۹. سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۳۰. شاکر، محمد کاظم، *روش های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۱. شامی، یوسف بن حاتم، *الدرالنظیم فی مناقب الائمة اللہامیم*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰.
۳۲. شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، شرکه مکتبه الالفین، ۱۴۰۷.
۳۳. شعراوی، محمد متولی، *تفسیر الشعراوی*، بیروت، اخبار الیوم اداره الکتب والمکتبات، ۱۹۹۱ م.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۳۳۸.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
۳۸. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، *بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی*، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳.
۳۹. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، تهران کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۴۰. طنطاوی، محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، النهضه، ۱۹۹۷ م.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، *الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۶.
۴۲. عروسی حویزی، *تفسیر نورالثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۴۳. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰.
۴۵. فیض کاشانی، محمد محسن، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵.
۴۶. قرشی سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۴۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۴۸. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطائف الاشارات*، قاهره، الهیئه المصریه العامه الکتاب، ۲۰۰۰ م.

۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، غفاری، علی اکبر و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
۵۰. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، مصحح، صادق لاریجانی، تهران، الزهراء، ۱۳۷۲.
۵۱. ماتریدی، محمد بن محمد، *تاویلات اهل السنه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶.
۵۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۵۳. المصری، احلام و طاهره ماهروزاده، «قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت»، موعود پژوهی، ۱۴۰۰، ش ۶، ۴۳-۵۹.
۵۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ایران، وزارت الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۸.
۵۵. مظهری، ثناءالله، *التفسیر المظهری*، کویت، مکتبه الرشديه، ۱۴۱۲.
۵۶. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۵۸. میبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۵۹. واحدی، علی بن احمد، *الوحیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵.
۶۰. هواری، هود بن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز*، الجزایر، دارالبصائر، ۱۴۲۶.
۶۱. یزدان پناه، سید یدالله، جری و تطبیق روشها و مبانی تنظیم آن، حکمت عرفانی، ۱۳۹۱، ش ۴، ۷-۳۲.

